

رفت و آمد زیاد زن همسایه زندگی زوج جوان را به خطر انداخت

همسایه جهنمی!

سیمافراہانی

تپش

درگیری برسررفت و آمدهای زن همسایه، زندگی زوج جوان را به دادگاه خانواده تهران کشاند. رفت و آمد بیش از حد زن همسایه به خانه رومینا و احمد باعث جنجال در زندگی این زوج جوان شد و در نهایت کار آنها به طلاق و دادگاه خانواده کشیده شد.

مرد جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره جزئیات علت درخواست طلاق گفت: ۱۲ سال است که با رومینا ازدواج کرده‌ام. مایک فرزند ۵ ساله هم داریم. در این مدت مشکل و اختلاف خاصی با هم نداشتم. در حد همان دعوای زن و شوهری بود ولی از وقتی به خانه جدید اثاث کشی کردیم زندگی مان از این روبه آن روشد و چهره جدیدی از رومینا دیدم. زن همسایه تنها زندگی می‌کند. از وقتی به این خانه اثاث کشی کردیم او به خانه ما رفت و آمد می‌کرد. همیشه هم می‌گفت به خاطر تنهایی دوست دارد با کسی دوست شود و ارتباط صمیمی پیدا کند. فکر می‌کنم منظورش رومینا بود چون خیلی وقت‌ها که من خانه نبودم، این زن به خانه ما می‌آمد اما هر از گاهی هم شب‌ها وقتی از سر کار بر می‌گشتم او به خانه ما می‌آمد. تا اینکه رومینا شروع کرد به بهانه‌گیری تاجایی که هر بار این زن می‌آمد ما با هم دعوا داشتیم حتی یکبار به رومینا گفتم اگر خیلی ناراحتی خودت به این زن بگو که دیگر به خانه ما نیاید ولی رومینا اصرار کرد که من باید به او بگویم که به خانه ما نیاید. این مساله خیلی مرا عصبی و ناراحت کرد. رومینا با این زن مشکل داشت و خودش باید این مشکل را حل

می‌کرد. من دوست نداشتم در این مساله دخالت کنم چون هر بار که این زن می‌آمد، پیش رومینا بود و با او صحبت می‌کرد اما رومینا گوشش بدهکار نبود و می‌گفت تو باید او را از خانه بیرون کنی و وقتی مخالفت می‌کردم، می‌گفت پس حتماً از او خوشت می‌آید. در صورتی که من می‌گویم از همان ابتدا رومینا نباید با این زن صمیمی می‌شد. وقتی این اتفاق افتاد دیگر باید خودش مشکل را حل می‌کرد اما الان شش ماه است که زندگی ما جهنم شده و من دیگر طاقت زندگی با این زن را ندارم. در ادامه همسر این مرد نیز در واکنش به حرف‌های همسرش به قاضی گفت: آقای قاضی اوایل تصور می‌کردم که این زن به خاطر من و برقراری ارتباط با من به خانه ام می‌آید ولی کم‌کم به رفتارهایش مشکوک شدم. او مرتب با شوهرم حرف می‌زد، شوخی می‌کرد و زمان‌هایی که او از سرکار بر می‌گشت، بدون اطلاع قبلی به خانه مان می‌آمد یا مثلاً اگر وسیله‌ای در خانه اش خراب می‌شد از شوهرم کمک می‌خواست. کم‌کم ارتباطش با شوهرم را هم صمیمی کرد. من هم وقتی این وضعیت را دیدم از احمد خواستم جلوی او را بگیرد حتی یکی دو بار وقتی من خانه نبودم، موضوعی را بهانه کرده و پیش شوهرم رفته بود. برای همین عصبانی شدم و از شوهرم خواستم خودش به این زن بگوید که دیگر به اینجا نیاید ولی او لجبازی کرد و همین مساله باعث شد که من بیشتر نسبت به این موضوع حساس شوم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

با همسر شکاک ننگید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این باره گفت: شک، یکی از آفت‌های زندگی مشترک است که اگر نتوان جلوی آن را گرفت و مدیریتش کرد، احتمال دارد به جدایی و طلاق ختم شود. در این پرونده اشتباه زوج در نبود مدیریت ارتباطشان با همسایه است که ارتباط کنترل نشده آنها باعث شده، زن به همسرش شک کند. ارتباط زن همسایه و شوهر این زن باعث ایجاد شک برای همسر او شده است. افرادی که به این شک دچار می‌شوند با ظن و شک رفتار و اعمال دیگران را تفسیر می‌کنند و به نوعی رفتار دیگران همیشه برای آنها تهدیدآمیز، تحقیرآمیز و آسیب‌زننده برداشت می‌شود. سوء تعبیرهای مداوم و تفسیر اشتباه از رفتار و نیت اطرافیان و بدخواه دانستن دیگران در این افراد همواره دیده می‌شود و آنها تصور می‌کنند که اطرافیان قصد فریب آنها را دارند و نسبت به تعهد و وفاداری دیگران مشکوک هستند اما باید چه کار کرد؟ بهترین و اولین گام از بین بردن زمینه ایجاد شک است. مرد وقتی می‌بیند همسرش به رابطه با همسایه مشکوک است و این ارتباط برایش آزار دهنده است باید به آن پایان دهد و طوری رفتار کند که این اطمینان برای همسرش به وجود آید که هیچ ارتباط مشکوکی میان آنها نیست و نباید در این مواقع با همسر جنگید زیرا باعث می‌شود، شک او به یقین تبدیل شود.

راز مرد جوان که برای اثبات معرفتش به دروغ، قتل را گردن گرفته بود در دادگاه فاش شد

گوشبری گنده‌لات بعد از قتل

محکمه

پرونده قتل پسر جوان که توسط گنده‌لات‌های ورامین کشته شده و قاتل گوش او را بریده بود، با بررسی فیلم شب جنایت وارد مرحله تازه‌ای شد. با بررسی موشکافانه پرونده مشخص شد قاتل متهم ردیف دوم پرونده است و دوستش برای نشان دادن معرفتش به دروغ به قتل اعتراف کرده است.

به گزارش تپش، تحقیقات جنایی در این پرونده از شامگاه ۲۹ تیرماه سال ۹۸ و با شلیک چند گلوله در یکی از میادین شهر ورامین آغاز شد. با حضور تیم جنایی در محل مشخص شد در این درگیری پسر جوانی به نام پیمان بر اثر اصابت گلوله به قتل رسیده است، همچنین در بررسی‌های بیشتر مشخص شد آثار ضربات متعدد قمه نیز روی بدن مقتول وجود دارد و گوش او نیز بریده شده است. دو نفر از دوستان پیمان نیز در این درگیری مجروح و به بیمارستان منتقل شده بودند. مأموران راهی بیمارستان شده و به تحقیق از دوستان مقتول پرداختند که آنها مدعی شدند این درگیری بین پیمان و یکی از گنده‌لات‌های ورامین رخ داده است که آنها به صورت خود نقاب زده بودند.

رد پای یک زن

مأموران در ادامه تحقیقات متوجه ارتباط پیمان با زن جوانی به نام شیوا شده و او را برای تحقیقات به پلیس آگاهی احضار کردند که اظهارات شیوا توانست گره این پرونده را باز کند. شیوا به مأموران گفت: مدتی با پیمان در ارتباط بودم تا این که یکی از گنده‌لات‌های ورامین به نام جواد به من ابراز علاقه کرد و خواست بیشتر با هم آشنا شویم. چند روز پیش با من تماس گرفت و مدعی شد قصد دارد پیمان را به یکی از میدان‌های شهر بکشاند و با اسلحه

کلاشینکف به قتل برسند. من حرفش را باور نکردم تا این که شنیدم پیمان به قتل رسیده است.

اعتراف به قتل

با شناسایی هویت عامل تیراندازی، مأموران جواد را همراه ۱۸ نوچه‌اش دستگیر کردند که او در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: خانواده من و پیمان از مدت‌ها قبل بر سر یک قطعه زمین با هم اختلاف داشتند و این اختلاف باعث شد که من و پیمان چند بار در اینستاگرام با همدیگر کل‌کل کنیم. آخرین بار بعد از کل‌کل تصمیم به قتل او گرفتیم. از دوستانم خواستم برایم سلاح کلاشینکف تهیه کنند و با آن به مقتول شلیک کردم. دوستانم نیز گوش او را بردند و برایم آوردند.

بعد از تکمیل تحقیقات برای جواد به اتهام قتل عمدی و برای همدستش به نام شهاب به اتهام معاونت در قتل و برای دیگر متهمان نیز به اتهام شرکت در دعای منجر به قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای دم مقتول برای قاتل و دیگر متهمان درخواست اشد مجازات کردند.

مرامی اعتراف کردم

جواد، زمانی که در جایگاه قرار گرفت با انکار اتهام قتل عمدی گفت: من مرتکب قتل جواد نشدم بلکه دوستم شهاب او را کشت. به علت مرام و معرفت تصمیم گرفتم من قتل را گردن بگیرم اما حالا می‌خواهم راستش را بگویم و خودم را از این اتهام تبرئه کنم. شهاب

سلاح داشت و او به سمت مقتول تیراندازی کرد. شهاب نیز وقتی در جایگاه قرار گرفت با رد ادعای جواد گفت: قبول دارم در این درگیری شرکت داشتم اما عامل مرگ پیمان من نبودم و اتهام معاونت در قتل را قبول دارم. بعد از این جلسه، پرونده برای رسیدگی بیشتر به دادسرا بازگشت و قرار شد مأموران اداره تشخیص هویت با بررسی‌های تخصصی فیلم شب حادثه مشخص کنند سلاح در دست کدام یکی از متهمان بوده و شلیک کرده است.

متهمان عوض شدند

سرانجام پس از چند بار بررسی فیلم و شواهد موجود در صحنه مشخص شد عامل تیراندازی شهاب بوده و پرونده برای رسیدگی دوباره به دادگاه ارسال شد. این بار اتهام شهاب و جواد تغییر کرد و قضات به شهاب اتهام قتل عمدی و به جواد اتهام معاونت در قتل را تفهیم کردند. در این جلسه اولیای دم دوباره درخواست قصاص قاتل را مطرح کردند. جواد هم در دفاع از خود گفت: عامل قتل شهاب است و من به دلیل مرام و معرفت اعتراف کردم. او برای این که در تن پیمایی‌ها، هویتش فاش نشود خود را لاغر کرده است تا کارشناسان متوجه نشوند او عامل تیراندازی است. حتی بعد از تیراندازی وقتی داخل ماشین نشستیم، گفت یک سورپرایز برایتان دارم. گوش پیمان را از جیبش درآورد و نشان من داد. شهاب نیز پس از این که در جایگاه قرار گرفت، انگشت اتهام را به سمت دوستش نشانه رفت و گفت او مرتکب قتل شده است. جواد برای کشتن پیمان انگیزه داشت به همین دلیل به سمت او شلیک کرد. حالا هم می‌خواهد من را به عنوان قاتل معرفی کند تا از مجازات فرار کند.

در ادامه این جلسه شاهدان به تشریح ماجرا پرداختند و دیگر متهمان نیز از خود دفاع کردند. پس از آخرین دفاعیات متهمان، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.